

In the Name of Allah

گرامر کامل زبان انگلیسی عمومی کنکور نظام جدید

نویسنده: ساسان عزیزی نژاد

0911-183-4070

ویراستار: ذبیح اله صادقی

0921-725-7653

T.me/visionch

کانال تخصصی زبان دهم تا کنکور

زمستان 98

In the Name of Allah

GRAMMAR AND WRITING OF VISION (1)

**نکات گرامری و نوشتاری
زبان انگلیسی پایه ی دهم**

In the Name of Allah

گرامر و رایتینگ درس اول دهم:

be = am, is, are :Be going to

کاربرد اصلی این ساختار :

1- قصد ، تصمیم و اراده به انجام کاری در زمان آینده نزدیک همراه با برنامه ریزی قبلی

1- I bought some paint yesterday. I am going to paint my bedroom tomorrow.

دیروز مقداری رنگ خریدم. قصد داریم اتاق خوابم را فردا رنگ بزنم.

2- My father has saved a lot of money. We are going to buy a new car soon.

پدرم پول زیادی پس انداز کرده است. قصد داریم ماشین جدیدی بخریم.

3- A: Do you want to go out? B: No, I am going to stay home and watch the football match.

میفای برای بیرون؟ نه قصد داریم بمونم خانه و مسابقه فوتبال را تماشا کنم.

2- پیش بینی انجام کار یا عملی در زمان آینده بر اساس نشانه ها و شواهد موجود (عینی/ ملموس) (نه براساس نظر شفوی) .

4- Look at those dark clouds. It's going to rain.

به اون ابرهای سیاه نگاه کن (شواهد). میخاد بارون بیاد.

Part B: will

کاربردها:

1- اطلاع رسانی در مورد یک واقعیت : کار یا عملی که که متما در زمان آینده اتفاق خواهد افتاد:

1- Today is Monday. Tomorrow will be Tuesday.

امروز دوشنبه است. فردا سه شنبه خواهد بود. (بیان حقیقت)

2- My daughter will be 12 years old next month.

دخترم ماه آینده 12 ساله خواهد بود.

2- برای بیان تصمیم های آتی و لفظه ای (نه با برنامه ریزی قبلی):

3- A: "I'm cold." B: "I'll close the window."

نفر اول: سردمه. نفر دوم: پنجره را فوام بست. (تصمیم آتی)

3- درخواست کردن از کسی برای انجام کاری به شکل سوالی :

4- Will you open the door, please?

میشه لطفا در را باز کنید؟

4- پیش بینی انجام کار یا عملی در زمان آینده (بر اساس نظرات و تجربه شفوی گوینده) (و نه بر اساس شواهد موجود)

5- You won't pass the exam.

تو در امتحان قبول نخواهی شد. (نظر من گوینده است).

5- برای بیان امیدواری ، اطمینان ، انتظار و افکار مدس و گمان و شک و تردید که به زمان آینده مربوط باشد و یا بیان احتمال به انجام کاری در آینده. اگر این افعال :

hope, think, expect, suppose, believe, be sure, ...

و این کلمات

perhaps, possibly, probably, certainly, ...

در جمله وجود داشته باشند.

6- I think it will rain tomorrow.

7- I expect they'll be here soon.

8- The exam will probably take about 2 hours.

9- A: Are you going to the park on Friday? B: I'm not sure. I will phone you on Thursday.

نکته اضافی (زبان تفصیلی) : با قید های احتمال و فعل های مذکور ، اگر شواهد عینی و ملموس وجود داشته باشد از be going to استفاده می کنیم.

10- I have eaten too much, and I feel very bad. I think I'm going to be sick.

من خیلی غذا خورده ام و خیلی مس بدی دارم. فکر کنم میخام مریض شم.

6- برای قول ، پیشنهاد و تهدید به انجام کاری در آینده از will استفاده می کنیم.

11- I will do it for you, I promise. (انجامش فوادم داد واست، قول میدم.)

12- The bag looks too heavy. I'll help you with it.

(کیف خیلی سنگین به نظر میاد. کمکت می کنم مملش کنی. (پیشنهاد))

13- I will kill you. (تهدید . میکشمت (تو را فوادم کشت))

نکته: بعد از کلمات (when /before/ after/as soon as) زمان مال ساده به جای زمان آینده بکار می رود.

14- Before we leave tomorrow, we will turn off the lights.

15- When I get home tonight, I'm going to watch TV and rest.

رایتینگ درس یک زبان پایه دهم

اسم های (عام و خاص) :

اسم خاص : (proper nouns) : اسم خاص ، بر یک شخص یا یک شی دلالت می کند و به یک گروه اطلاق نمی شود. اسم خاص، معمولاً نام یک شخص، مکان و یا یک چیز خاص می باشد .

نکته 1 : حرف اول همه اسم های خاص با حرف بزرگ نوشته می شود.

نکته 2 : قبل از اسم خاص مروف تعریف (a / an , the) و صفات ملکی (my, your, his, her, its, our,) و صفات اشاره (جمع = this, that / these, those = مفرد) و وابسته های پیشین دیگر مثل (their) و صفات اشاره (جمع = a lot of / a little / a few / most / some) و اعداد بکار نمی رود. (مگر در موارد خاص ، که درمیطه کتاب درسی نمی باشد.)

Tom, Mary , Tehran, France , Mars, April, Monday, Milad Tower

اسم عام : (common nouns) : اسمی است که به همه ی افراد یا اشیا یک گروه دلالت می کند.

boy, woman, car, school, student, chair, desk

نکته 1: قبل از اسم های عام با مروف تعریف (a / an , the) و صفات ملکی (my, your, his, her, its,) و صفات اشاره (our, their) و صفات اشاره (this, that, these, those) و وابسته های پیشین دیگر مثل (a lot of / a little / a few / some) و اعداد بکار می روند .

نکته 2: اسم های (عام) غیر قابل شمارش، جمع بسته نمی شوند و شکل مفرد آنها با (a / an) بکار نمی رود.
money/ bread / water/ tea / sugar/ milk / meat

نکته 3 : اسم های (عام) قابل شمارش، جمع بسته می شوند و شکل مفرد آنها با (a/an) بکار می رود.
a computer- computers / an apple - apples

*** روش های جمع بستن اسم های قابل شمارش :

1- برای جمع بستن اکثر اسم ها ، به آنها s اضافه می کنیم.

cup- cups / tree - trees / garden - gardens

2- برای جمع بستن کلماتی که به مروف (s / z/x/sh/ch) ختم می شوند ، به آنها (es) اضافه می کنیم.

bus -buses , quiz- quizzes , box- boxes , dish- dishes , watch - watches , fish - fishes (or fish)

3- کلماتی که به مروف (feɪf) ختم می شوند ، موقع جمع بستن به (ves) تبدیل می شوند.

wife- wives, life- lives , knife - knives , half- halves , leaf- leaves, shelf - shelves, loaf- loaves , thief - thieves , wolf- wolves

استثناء :

roof- roofs , belief-beliefs, safe -safes, cliff- cliffs

4- برای جمع بستن کلماتی که به مرف (y) ختم می شوند ، دو روش وجود دارد.

الف) اگر قبل از مرف (y) یکی از مروف صدا دار (a - e - i - o - u) باشد ، فقط s اضافه می شود.
day - days, boy - boys, key - keys

ب) اگر قبل از مرف (y) مرف صدادار نباشد ، y به i تبدیل می شود و بعد es اضافه می کنیم.
baby- babies , city- cities , family - families, fly -flies

5- برای جمع بستن کلماتی که به مروف (o) ختم می شوند ، در حالت جمع بستن دو روش وجود دارد.

الف) اگر قبل مرف (o) ، مرف صدا دار باشد ، فقط s اضافه می کنیم.
radio- radios, video- videos, zoo- zoos

ب) اگر قبل مرف (o) مرف صدادار نباشد، es اضافه می کنیم.
hero- heroes, potato- potatoes, tomato- tomatoes

استثناء :

kilo-kilos, piano- pianos, photo- photos

6- اسم های جمع بی قاعده درمد کتاب و کنکور :

man-men, woman-women, child-children, foot-feet, tooth-teeth, mouse-mice,
goose-geese, deer-deer, sheep-sheep, series-series, species-species, means-
means

مروف تعریف معین و نامعین

مروف تعریف نامعین an یا a قبل از اسامی قابل شمارش مفرد در موارد زیر به کار می روند.

نکته: (an) قبل از کلماتی که مرف اولشان یکی از مروف صدا دار (a-e-i-o-u) باشد ، بکار می رود .

an apple - an orange - an egg

1. قبل از شغل: a teacher an engineer

2. اسم مفرد قابل شمارش که برای شنونده نامشخص و نامعین باشد .

I bought a book. کتابی خریدم.

3. برای بیان شمارش معادل عدد one (یک) :

She had a notebook and two pens . او یک کتاب و دو خودکار دارد .

" the "

مرف تعریف معین

1. قبل از اسامی که برای شنونده وگوینده مشخص و معین باشد (بویژه در جملات امری) :

Open the door, please.

2. اگر بخواهیم برای دومین بار یا بیشتر از کلمه یا اسمی که قبلاً در مورد آن صحبت کرده ایم، استفاده کنیم .

I bought a car. The car is red.

3. قبل از پدیده های منمصر به فرد در طبیعت و جهان :

the moon /the sun / the earth/ the sky / the world

4. قبل از صفات عالی (برترین) و اعداد ترتیبی :

the first, the second, the best, the biggest, the most beautiful ...

5- قبل از برفی از بفش های روز :

in the morning, in the afternoon, in the evening

6. قبل از نام خانوادگی که به صورت جمع بیان شود و منظور خانواده باشد :

the Smiths / the Browns

7. قبل از نام کشورهایی که به صورت ایالت ، جمهوری و یا به شکل جمع باشند .

the Republic of Ireland

the Islamic Republic of Iran

the United States of America

the United Kingdom

the Philippines

the Netherlands

8. قبل از اسامی رودخانه ها ، رشته کوهها ، اقیانوسها ، دریاها و فلیج ها :

the Amazon River

the Persian Gulf

the Alps

the Atlantic Ocean

9- قبل از اسامی مکانهای عمومی هتل ها ، رستوران ها ، موزها و سینما هاو

the Grand Hotel, the Rex Cinema, the Mellat Park

10- قبل از برفی از صفات که به کل گروه اشاره می کند.

the rich , the poor , the young, the old

موارد عدم کاربرد	: the
------------------	-------

Ali , Tom

1. قبل از اسامی اشخاص ، افراد :

Iran , Rasht

2. قبل از اسامی شهرها ، کشورها :

3. قبل از سال ، اسامی ماه ها و روزهای هفته :

in 1998, in April, on Sunday

4. قبل از اسم غیر قابل شمارش که به صورت کلی بکار می رود :

He likes milk very much.

In the Name of Allah

گرامر و بخش رایتینگ درس دوم پایه دهم :

انواع صفت از نظر مقایسه :

1. صفت برابری (equality): این صفت برای بیان مقایسه و تساوی، مابین دو چیز، دو شخص یا دو موقعیت استفاده می شود.

as + صفت + as : الگوی صفت برابر

1- Reza is 10 years old. Ali is 10 years old. Reza is as old as Ali.

2- This ruler is 50 centimeters long. That ruler is 50 centimeters long.
This ruler is as long as that ruler.

نکته اضافی 1: اگر جمله منفی باشد، از الگوی زیر هم می‌توان استفاده کرد. (استفاده از این الگو اختیاری است)

not + so + صفت + as

3 - A cow is not so big as an elephant. (= A cow is not as big as an elephant.)

نکته اضافی 2 : به الگوی های زیر برای درک بیشتر صفت های برابر توجه فرمایید:

as many + اسم قابل شمارش جمع

4- This book has as many pages as that book.

این کتاب به اندازه اون کتاب صفحه دارد.

as + اسم غیر قابل شمارش

5- I have as much money as my brother.

من به اندازه برادرم پول دارم.

نکته اضافی 3 : الگوی قید برابر هم، مثل صفت برابر می باشد. (قید یک فعل را توصیف می کند.)

as + قید + as

6- I can speak English as well as my friend.

من می توانم به خوبی دوستانم انگلیسی صحبت می کنم.

2. صفات برتر (Comparative Adjectives): برای بیان برتری یک چیز بر چیز دیگری، یا یک شخص بر شخص

دیگری استفاده می شود. نحوه ساختن صفات برتر به شکل زیر است:

الف: صفات یک بخشی: به آخر آن ها er اضافه می کنیم.

Ali is older than Reza.

She is taller than I am(me).

ب: صفات دو بخشی که آخر آن ها y باشد: y را به i تبدیل می کنیم و بعد er اضافه می کنیم.

English is easier than Chinese.

Ali is busier than Reza.

ه: سایر صفات دو بخشی و صفات بیشتر از دو بخش: قیل از آن ها more/less می آوریم.

He is more careful than his sister.

This house is more beautiful than that house.

Girls are more successful than boys in oral skills.

This story is less interesting than that one.

This book is less expensive than that book.

نکته اضافی 2 : برای توصیف و تاکید بر صفات برتر، از کلمات much /a little/rather/a lot/ far استفاده می شود. قبل از صفات برتر، نباید از very استفاده شود.

My sister is much /far older than me.

Chinese is much /far more difficult than English.

He is a lot happier than his sister.

This book is a bit easier than that one.

This lesson is rather more difficult than that one.

This house is a little more expensive than that house.

نکته اضافی 3 : الگوی قید برتر هم، مثل صفت برتر می باشد. (قید یک فعل را توصیف می کند.)

13- My sister speaks English faster than my mother.

14- Mina talks more politely than her brother.

3. صفات عالی (Superlative Adjectives) : برای بیان برتری یک چیز به تمام چیزها و یا یک شخص به کل اشخاص

دیگر به کار می رود. نمونه سافت صفات عالی به شکل زیر است.

الف: صفات یک بخشی: به آخر آن ها est اضافه می کنیم.

This tree is the tallest tree in our garden.

This dictionary is the largest of all others.

ب: صفات دو بخشی که آخر آن ها y باشد: y را به i تبدیل می کنیم و بعد est اضافه می کنیم.

English is the easiest language of all.

My father is the busiest in our family.

ه: سایر صفات دو بخشی و صفات بیشتر از دو بخش: قیل از آن ها the most/least می آوریم.

He is the most careful person in his family.

This house is the most beautiful house in the city.

This story is the least interesting story in the book.

This book is the least expensive book in the bookstore.

نکته اضافی (زبان تفصیلی) : الگوی قید برترین هم، مثل صفت برترین می باشد. (قید یک فعل را توصیف می کند.)

David runs the fastest of all the runners on the team.

Reza drives the most carefully of all.

نکته 1 : برای کلمات زیر در حالت مقایسه (برتر و برترین) ، از دو روش میشه استفاده کرد ، هم می توانند در حالت برتر بیاریم. **the most** و **more** بگیرند و هم می توانیم قبل از آنها **est** و در حالت برترین **er**

(هر چند که در مورد همه ی این کلمات ، اتفاق نظر کامل، بین گرامر نویسندگان وجود ندارد.)

clever = (باهوش و زرنگ) simple = (ساده) quiet = (آرام و ساکت)
common = (رایج و متداول) pleasant = (خوشایند و دلپذیر) gentle = (ملایم و نجیب)
narrow = (باریک) shallow = (کم عمق) polite = (باادب)

This question is simpler than that question.

یا This question is more simple than that question.

My brother was much cleverer than I was at school.

یا My brother was much more clever than I was at school.

نکته 3 : صفت برتر و برترین کلمه (old) به شکل **older, the oldest** می باشد. قبل از اسم صفت برتر و برترین کلمه (old) ، به شکل **elder, the eldest** قبل اسم هم بکار می رود.

This is Maryam. She is my elder sister. = This is Maryam. She is my older sister.

Kathy is the eldest member of the family. = Kathy is the oldest member of the family.

I think your grandmother is older than my grandmother. (جمله ی درست)

I think your grandmother is elder than my grandmother. (جمله ی نادرست)

صفات بی قاعده :

برخی از صفات در حالت های برتر و برترین از الگوهای بالا پیروی نمی کنند، بلکه دارای شکل خاصی در حالت های برتر و برترین هستند و آنها را باید به خاطر سپرد.

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
good خوب	better بهتر	the best بهترین
bad بد	worse بدتر	the worst بدترین
many /much زیاد	more بیشتر	the most بیشترین
little کم	less کمتر	the least کمترین
far دور/ بیش	farther دورتر / further دورتر بیشتر	the farthest/ the furthest

My handwriting is worse than his handwriting. (bad)

Ali is the best student in our class. (good)

Your library has more books than our library. (many)

I have less money than you. (little)

The nearest house was much farther than she thought. (far)

The farthest end of the garden has a lot of grass. (far)

رایتینگ درس دوم زبان پایه دهم

انواع صفت ها عبارتند از:

1- Quality (کیفیت) / Opinion (نظر و عقیده):

nice / neat / boring / beautiful / expensive / lovely/ funny /interesting

2- Size (اندازه و سایز):

small / little / large / big / short / tall / long

3- Age (سن و قدمت):

young / new / old / modern

4- Shape (شکل):

round گرد و مدور / wide پهن / square مربع شکل

5- color (رنگ):

white / red / black / yellow / blue / brown / gray

6- Nationality /Origin (ملیت و مبدأ):

Iranian/ German / Turkish / Chinese / English / Brazilian

7- Material (جنس و مواد):

wooden چوبی / rocky صخره ای / metal فلز / gold / silver نقره / bronze / iron آهن /
از جنس طلا * golden / leather چرم / glass شیشه / cotton نخی / silk ابریشم / plastic

8- Purpose (هدف و کاربرد): این کلمات اسم هستند، که اسم های بعد از خود را توصیف می کنند

sports cars / a school bus / a shopping bag

طرز قرار گرفتن چند صفت پشت سر هم قبل از اسم:

determiner + quality + size + age + shape + color + nationality + material + noun

اسم + صفت کاربرد + صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت شکل + صفت سن + صفت اندازه + صفت کیفیت + شناسه

That is a beautiful big old round black Italian iron tennis racket.

آن یک راکت زیبای بزرگ کهنه گرد مشکی ایتالیایی آهنی تنیس است.

چند مثال دیگر:

an interesting old French painting

a nice new green shirt

the beautiful Persian silk carpet

- برای یاد گیری ترتیب صفات در حالت کلی کاسه شرم چک را به یاد داشته باشید.

- در باره مزییات ترتیب صفات قبل اسم اتفاق نظر کامل بین گرامر نویسان نیست ولی فرمول ارائه شده در بالا همیشه در سوال های کنکور جواب می دهد .

- در کتابهای جدید انگلیسی صفت کیفیت (quality) را صفت نظر / عقیده (opinion) می نامند.

شناسه ها (مشخصه ها / توصیف کننده ها) عبارتند از :

- 1- مروف تعریف (a / an / the)
- 2- صفات عددی (اول عدد ترتیبی بعد عدد شمارشی) the first two days
- 3- صفات اشاره (this/that/these/those)
- 4- صفات ملکی (my/your/his/her/its/our/their)
- 5- صفات کمی (some/ a few / no / any / a little / a lot of / much / many...)

In the Name of Allah

گرامر و بخش رایتینگ درس سوم پایه دهم:

زمان گذشته استمراری: (Past Continuous / Progressive)

فاعل + was/ were + فعل + ing

1- He was writing a letter between 9 and 10 last night.

او بین ساعت 9 و 10 داشت نامه ای می نوشت.

2- They were watching TV all night.

آن ها تمام شب داشتند تلویزیون تماشا می کردند.

نکته 1: برای منفی کردن زمان گذشته استمراری، بعد از فعل های کمکی (was / were)، (not) یا شکل مخفف (n't) را می آوریم.

3- He was not(n't) writing a letter between 9 and 10 last night.

4- They were not(n't) watching TV all night.

نکته 2: برای سوالاتی کردن زمان گذشته استمراری، جای فعل های کمکی (was / were)، با فاعل عوض می کنیم.

5- Was he writing a letter between 9 and 10 last night?

6- Were they watching TV all night?

موارد کاربرد زمان گذشته استمراری:

1- بیان عمل یا رویدادی که در زمان معینی (مشفصی) در گذشته در حال انجام (در جریان) بوده است. در این کاربرد زمان دقیق آغاز و پایان آن عمل یا اتفاق مشفص نشده است.

7- I was watching football at this time yesterday.

دیروز اینموقع داشتم فوتبال تماشا می کردم.

8 - They were studying all day yesterday.

آن ها دیروز تمام روز داشتند درس می خوانند.

2- بیان عمل یا رویدادی که در گذشته ادامه داشته و کار دیگری با آن تلاقی پیدا کرده. (در این کاربرد) در اکثر موارد،

گذشته استمراری همراه با گذشته ساده بکار می رود. در چنین حالتی، گذشته استمراری بر کارها و فعالیتهای

طولانی تر (که در پس زمینه هستند) دلالت می کند، در حالی که گذشته ساده بر کارها و فعالیتهایی دلالت می کند که

در میانه کارهای طولانی تر اتفاق افتاده اند.

نکته 1: در این کاربرد، از مروف ربط (when / as / while) استفاده می شود. الگوی استفاده از این مروف ربط، معمولاً به شرح زیر است:

گذشته استمراری + گذشته ساده + When

گذشته ساده + when + گذشته استمراری

9- When My father came in, I was reading a story book.

(OR) I was reading a story book when my father came in.

من داشتم کتاب داستان می خواندم، وقتی که پدرم آمد داخل.

گذشته ساده + گذشته استمراری + While / As

گذشته استمراری + while/as + گذشته ساده

10- While he was watching TV, the phone rang. (OR) The phone rang while he was watching TV.

11- As they were walking in the street, they saw the accident.

(OR) They saw the accident as they were walking in the street.

نکته 2: در ساختار دوم، به جای (while / as) از (when) هم میشه استفاده کرد.

13- I met her when / as / while we were working for the same company.

نکته 3: در این کاربرد، قبل از گذشته ساده، تنها از (when) میشه استفاده کرد. (به عبارت دیگر (while / as) با

گذشته ساده که نشان دهنده یک عمل کوتاه و لمظه ای است، بکار نمی روند.)

13- When I met her, we were working for the same company. (جمله درست)

* While I met her, we were working for the same company. (جمله نادرست)

* As I met her, we were working for the same company. (جمله نادرست)

3- گذشته استمراری برای بیان دو عمل که به طور هم زمان در زمان گذشته در حال انجام بوده است، نیز بکار می

رود.

گذشته استمراری + گذشته استمراری + While - As - When

گذشته استمراری + when / while / as + گذشته استمراری

14- While / As / When my mother was cooking lunch, my father was reading a newspaper.

(OR) My father was reading a newspaper, while / as / when my mother was cooking lunch.

4. برای درک بیشتر، دو جمله ی زیر را با هم مقایسه کنید.

15- When the guests arrived, my mother was cooking dinner.

وقتی مهمان ها رسیدند، مادرم داشت شام درست می کرد.

(شام درست کردن مادرم قبل از آمدن مهمان ها شروع شده بود و زمانی که مهمانان رسیدند، شام پختن او ادامه

داشت.)

16- When the guests arrived, my mother cooked dinner.

وقتی مهمان ها رسیدند، مادرم شام درست کرد. (اول مهمان ها رسیدند، سپس مادرم شام را درست کرد.) (شام درست

کردن مادرم بعد از آمدن مهمان ها شروع شد.)

بخش رایتینگ درس سوم زبان پایه دهم

افعال به دو گروه طبقه بندی می شوند.

- 1- افعال کنشی / حرکتی (Action Verbs) 2- افعال حالت / ایستایی (State Verbs)

افعال کنش / حرکت (Action Verbs) : افعالی هستند که انجام عمل، حرکت یا تغییر حالت را بیان می کنند.

walk / study / say / write / go / visit / drink

نکته : افعال کنشی را می توان هم به شکل ساده و هم استمراری بکار برد.

1- He walked to school yesterday.

2- While he was walking to school, he saw the accident.

2- افعال حالت / ایستایی (State Verbs) : افعالی هستند که حالت، احساس، فکر و عقیده را بیان می کنند.

برخی از افعال حالت (ایستایی) در مد کتاب درسی و کنکور عبارتند از :

1- افعال مالکیت :

دارا بودن / داشتن = possess تعلق داشتن = belong to مالک بودن = own داشتن = have

2- افعال مربوط به حس ها، احساس و نیاز :

عاشق بودن = love دوست داشتن = like آرزو داشتن = wish نیاز داشتن = need خواستن = want

بو دادن = smell دیدن = see ترجیح دادن = prefer متنفر بودن = hate دوست نداشتن = dislike

شنیدن = hear مزه دادن = taste

3- افعال مربوط به بیان عقیده، نظر و فکر :

به یاد آوردن = remember اعتقاد داشتن = believe عقیده داشتن / فکر کردن = think

دانستن - شناختن = know فهمیدن = understand فراموش کردن = forget

مخالف بودن = disagree موافق بودن = agree انتظار داشتن = expect تصور کردن = imagine

تشخیص دادن = recognize فهمیدن = realize

4- افعال مربوط به موجودیت :

شامل شدن / دربر داشتن = consist of = contain / include وجود داشتن = exist بودن = be

5- افعال مربوط به ظاهر و قیافه :

به نظر رسیدن = sound به نظر رسیدن = appear به نظر رسیدن = look به نظر رسیدن = seem

6- برخی از افعال حالت دیگر :

معنی داشتن = mean وابسته بودن = depend on وزن داشتن = weigh

قیمت داشتن = cost اهمیت داشتن = mind = matter

نکته مهم : برخی از افعال مالت (ایستایی)، می توانند فعل کنشی نیز محسوب شوند، که معانی متفاوتی دارند. این

فعل ها در این معانی جدید ، به شکل استمراری هم می توانند بکار روند. برخی از این افعال عبارتند از:

فکر (تفکر کردن) کردن در مورد کسی یا چیزی = think ملاقات کردن = see خوردن = have

وزن کردن = weigh

3- I am seeing the doctor at 6 tomorrow. (جمله درست) (ملاقات کردن)

4-I see you now. (جمله درست) (دیدن)

5-*I am seeing you now. (جمله نادرست) (دیدن)

6. I think you are right. معتقدم حق با تو است.(ایستایی)

7. I am thinking about you. دارم به تو فکر می کنم. (کنشی)

ضمایر انعکاسی و تأکیدی Reflexive Pronouns:

ضمیر انعکاسی : وقتی فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص یا یک چیز باشد به جای ضمیر مفعولی از ضمایر انعکاسی استفاده می شود. ضمایر انعکاسی عبارتند از :

فودم myself	فودمان ourselves
فودت yourself	فودتان yourselves
(مذکر) فودش himself	
(مؤنث) فودش herself	فودشان themselves
(غیر انسان) فودش itself	

1- I saw myself in the mirror.

من فودم را در آینه دیدم.

2-She burnt herself.

نکته ی اضافی 1 : برخی از افعال مانند give , send , show , make و buy می توانند دو مفعول داشته باشند .

1- مفعول مستقیم (غیر شفصی) 2- مفعول غیر مستقیم (شفصی)

3. He made a cake for himself.

4. He made himself a cake.

نکته ی اضافی 2 : ضمیر انعکاسی ، اگر به همراه by در آخر جمله بیاید، معنی « به تنهایی » =

on (my, your ...) own alone / without help را می دهند .

5- I did my homework by myself. (= alone / on my own)

تکلیفم را به تنهایی انجام دادم. (کسی کمک نکرد).

6- Do your job by yourself. (= alone / on your own)

ضمایر تأکیدی : ضمایر انعکاسی اگر برای تأکید بر روی فاعل و مفعول جمله بکار بروند به آنها ضمایر تأکیدی گفته می شود.
ضمایر تأکیدی برای تأکید بر فاعل جمله در دو جا بکار می روند:
الف) بعد از فاعل ب) در انتهای جمله

7- I myself repaired the bicycle. من فودم دوچرخه را تعمیر کردم (نه شخص دیگری)

8- I repaired the bicycle myself.

در مثالهای بالا " myself " فودم " بر فاعل I تأکید دارد.
تأکید بر مفعول جمله :

- ضمایر تأکیدی برای تأکید بر مفعول جمله فقط بعد از مفعول جمله بکار می رود.

9- I like the house itself, but I don't like the neighbors.

من فود خانه را دوست دارم ، اما همسایه ها را دوست ندارم.
در مثال بالا itself بر مفعول جمله the house تأکید دارد.

***نکات اضافی در مورد ضمایر انعکاسی و تأکیدی :

نکته اضافی 6 (زبان تفصیلی) : به برخی اصطلاحات زیر که با ضمایر انعکاسی می آیند دقت کنید.

10- We enjoyed ourselves. به ما فوش گذشت

11- Help yourself. از خودتان پذیرایی کنید

12- Make yourself at home. رامت باشید / فونه فودتونه

13- Behave yourself at grandfather's house. مراقب رفتار خودتان در فونه پدر بزرگ باش.

In the Name of Allah

گرامر و بخش رایتینگ درس چهارم پایه دهم :

افعال کمکی خاص (وجهی) (Modals) : بعد از این افعال کمکی ناقص، فعل اصلی به صورت ساده (مصدر بدون to) بکار می رود. این افعال در مد کتاب درسی دهم عبارتند از:

can / may / should / must

موارد کاربرد فعل کمکی : **can**

1- توانایی انجام کار یا عملی در زمان حال یا آینده (Ability) :

1- I can speak French.

2- She can swim well.

2- درخواست انجام کار یا عملی (Request) :

3- Can you help me lift this box?

4- Can you put the children to bed?

5- Can you answer the phone, please?

3- پیشنهاد انجام کار یا عملی (Offer) :

6- Can I help you?

7- Can I get you a cup of coffee?

8- We can eat in a restaurant if you like.

4- اجازه انجام کار یا عملی در سبک غیر رسمی (Permission) :

9- You can stop work early today.

10- You can go if you want to.

11- You can't park here. It is no parking zone [منطقه/ جای پارک].

12- "Can we go home now, please?" "No, you can't."

13- A: "Can I use your car?" B: "Sure, you can use it."

موارد کاربرد فعل کمکی : "**May**"

1- برای احتمال کار یا عملی در زمان حال یا آینده (Possibility) :

1- It may rain tomorrow.

2- It may be late, so don't wait for me.

3- That may not be true.

2- اجازه خواستن یا اجازه دادن انجام کار یا عملی (Permissin) در سبک رسمی :

4- May I use your cellphone?

5- May I leave the classroom?

6- Thank you. You may go now.

7- You may smoke outside.

3- برای بیان آرزو و امید و دعا (Wishes and Hopes) :

8- May God be with you.

9- May you win.

موارد کاربرد (Should) :

1- برای بیان نصیحت ، اندرز ، توصیه و بهتر بودن انجام کار یا عملی در زمان حال و آینده (Advice & Recommendation)

1- You look tired. You should go to bed.

2- I think the government should do more to help homeless people.

2- برای بیان انجام وظیفه و مسئولیت (Responsibility or Duty) :

3- I should visit my parents more often.

4- A restaurant's kitchen should be clean.

5- A teacher should be well-prepared for every class.

6- A student shouldn't waste his parents' money.

موارد کاربرد (must) :

1- برای بیان الزام و ضرورت شدید شفصی: (Strong Personal Obligation/ Necessity)

1- I must go to bed earlier.

2- I must buy some new clothes. My clothes are so old.

2- برای بیان استنباط و نتیجه گیری (احتمال زیاد) : Deduction and Conclusion (high probability)

3. You must be Anna's sister. you look exactly like her.

تو باید خواهر آن باشی. دقیقاً شبیه او هستی. (نتیجه گیری و استنباط)

4. Maryam must have a problem. She is crying.

مریم باید مشکلی داشته باشه. داره گریه می کنه.

❖ (must not/ mustn't) موقعی بکار میرود که کاری و یا عملی بشدت نهی می شود.

5. You must not tell this to anyone. It's a secret.

نباید این رو به کسی بگی. (این) یک راز است.

مروف اضافه زمان (Prepositions of Time): (in - at - on) :

موارد کاربرد مرف اضافه in برای زمان:

1- برقی از قسمت های روز :

in the morning/ in the afternoon / in the evening/

2- برای ماه ، فصل، سال، دهه ، و قرن

in January /in February/ in March

in (the) spring / in (the)summer/ in (the)fall=autumn/ in (the) winter

in Norooz / in 1998 / in 2018 / in the 18th century

❖ برقی از کاربردهای دیگر (in) برای زمان ، در کتاب های درسی و در مد کنکور:

in 2 hours/ in a few minutes / in a week / in the end / in the past / in the future

موارد کاربرد مرف اضافه on برای مکان:

on Saturday / on Sunday

on Monday morning / on Tuesday evening / on Christmas Day

on holiday/ on vacation /

on April 18th/ on the first of June

موارد کاربرد مرف اضافه at برای زمان:

at 2 o'clock / at night / at noon / at midnight [نیمه شب] / at midday [نیم روز] /

at sunrise [طلوع آفتاب] / at sunset[غروب آفتاب]

❖ برقی از کاربردهای دیگر (at) برای زمان در کتاب های درسی و در مد کنکور:

at present [در حال حاضر] / at the moment[همین الان] / at that time در آنموقع

at the same time [بطور همزمان] / at last [سرانجام] / at first [ابتدا] /

at the beginning [در شروع] / at least [مداقل] / at once [فوراً] /

at lunch / at dinner time / at the weekend [آخر هفته در بریتانیایی استفاده می شود].

on the weekend در آمریکایی استفاده می شود.

مروف اضافه مکان (Prepositions of Place): (in - on - next to - in front of)

موارد کاربرد in برای مکان:

❖ برای شهر، کشور و قاره:

in Rasht/ in Tehran / in London

in Iran/ in the USA/ in France

in Asia/ in Africa/ in Europe

❖ برمی از کاربردهای دیگر (in)، برای مکان، در کتاب های درسی و در مد کنکور:

in a village / in a town / in a city / in the country / in the world / in the mountains / in a forest / in the yard / in the street / in the river / in the lake / in the sea / in the ocean [اقیانوس] / in bed / in hospital / in prison

در یک [در وسط] / in a line [در وسط] / in the middle [در وسط] / in the picture / in a book / in [زندان] [صف/ خط]

موارد کاربرد on برای مکان:

[پشت میز] at the table / at the desk اما / on the table/ on the desk / on page 5 / [سمت چپ] on the left / [در راه] on the way / on the ground / on the wall / on a chair / on the right [سمت راست] / on the floor [کف اتاق] / on the bus / on the train / on the plane / on Imam Street / on TV / on the radio / on the phone / on the farm / on the map

موارد کاربرد next to برای مکان:

- این مرف اضافه از معنی آن مشخص است و مشکلات مرف های اضافه بالا را ندارد.

next to the hospital / next to the post office / next to police station / next to the drugstore / next to the window

موارد کاربرد in front of برای مکان:

- این مرف اضافه هم، مانند next to از معنی آن مشخص است و مشکلات مرف های اضافه بالا را ندارد.

in front of the hospital / in front of the post office / in front of police station / in front of the drugstore / in front of the window

به تفاوت دو جمله زیر دقت کنید.

1. The car is in front of the park. [ماشین جلوی پارک است]

2. The bank is across from / (opposite) the park.

[بانک مقابل / رو به روی (آن طرف خیابان) پارک است.]

رایتینگ درس چهارم (زبان پایه دهم)

قید های مالت (Adverbs of manners) :

قید مالت چگونه و نحوه ی انجام فعل (اصلی) را نشان می دهد ، اما صفت یک اسم را توصیف می کند.
اکثر قید های مالت با اضافه کردن (-ly) به آخر صفت درست می شوند.

1- She drives her car carefully.

2- The tourists spoke English perfectly.

قید های بی قاعده : برخی از صفت ها و قید ها به یک شکل هستند . یعنی در مالت قید ی -ly نمی گیرند.

صفت (adjective)	قید (adverb)	قید هایی با معنی متفاوت
fast سریع	Fast به سرعت	
Hard	hard = [سفت (زیاد)]	[به زحمت / به ندرت] *hardly قید تکرار
good [خوب]	well [به خوبی]	
late [دیر]	late [دیر]	[اخیرا / به تازگی] *lately قید زمان
right [درست و صحیح]	right [بدرستی و بطور صحیح]	
wrong [غلط و نادرست]	wrong [به غلط]	*wrongly
Early	Early	
high [بلند و مرتفع]	high [در ارتفاع / در بالا]	* highly [بسیار / خیلی]
straight [مستقیم و صاف]	straight [بطور مستقیم]	
free [مجان و آزاد]	free [بطور مجانی]	*freely [آزادانه]
loud [صدا بلند]	loud / aloud/ loudly با صدای بلند	

3- Ali is a fast driver. He drives fast.

4- Reza is a hard worker. He works hard. [بعد از فعل اصلی می آید / معنی و مفهوم مثبت دارد]

5- My father is very old. He hardly works.

[hardly قبل از فعل اصلی بعد از فعل کمکی می آید / مفهوم منفی دارد و قید تکرار است.]

6- Mina is a good student. She studies well.

7- She was late. She came to class late.

8- That is the right answer. We guessed the answer right.

9- The letter was delivered to the wrong address.

10-He spelt my name wrong.

- 10- His name was wrongly spelt. [wrongly قبل از اسم مفعول فعل (در جملات مجهول) می آید.]
- 11- They were early for the class. They arrived early.
- 12- It was a high fence [مصار]. He kicked the ball high into the air.
- 13- She is a highly educated woman.
- 14- Her hair is straight.
- 15- He was so tired he couldn't walk straight. Let's go straight to the airport.
- 16- Admission is free for children under 7.
- 17- Children under 4 can travel free.
- 18- In that country, you can speak and write freely.
- 19- The music was so loud that I couldn't hear anything.
- 20- Do you have to play the music so loud? Can you speak a little louder?
- 21- She always speaks loudly in the class.
- 22- Would you read the poem aloud? [read / say / laugh / cry / think]
- 23- You have to speak quite aloud for the people at the back. (جمله نادرست)
[Do not use "aloud" to mean *in a loud voice*. Use loudly]
- 24- You have to speak quite loudly for the people at the back. (جمله درست)

نکته های اضافی در مورد قیدها:

در اکثر کلمات، اگر (-ly) به آخر اسم اضافه شود آن کلمه صفت است. برای فهم بیشتر، به نکات زیر توجه شود.

الف (کلماتی که -ly دارند و به اسم افزوده می شوند، صفت ممسوب می شوند عبارتند از:

friend - friendly/ love- lovely / cost - costly [گران / گران بها] / coward- cowardly [ترسو]
heaven- heavenly [آسمانی / بهشتی] / chill- chilly [سرد و فتنک] / brother -brotherly /
sister- sisterly / curl - curly [مچعد / فرفری] / earth- earthly [فاهی / زمینی]
man- manly / woman- womanly /

ب (کلماتی که -ly دارند و به اسم افزوده می شوند که هم صفت و هم قید ممسوب می شوند عبارتند از:

/day - daily/ week -weekly/ month - monthly/ year -yearly / night- nightly /body-
bodily/ like- likely [امتمل / اتمتلا]

ج (کلماتی که -ly دارند و به صفت افزوده می شوند و دوباره صفت ممسوب می شوند عبارتند از:

/live- lively [سرزنده و شاداب] / lone- lonely / dead - deadly [کشنده و مرگبار] / elder-
elderly /

د (صفت هایی که مثل قید ها، در خود کلمه -ly دارند، اما صفت ممسوب می شوند.

ugly [زشت] - holy [مقدس] - silly [امماقانه] -

نکات اضافی در مورد املای قید ها : موقع افزودن (-ly) به آمر صفت، در برمی از کلمات، یک سری تغییرات املایی صورت می گیرد.

1- تبدیل y به i /happy- happily / /lazy- lazily /

[مودبانه] sly - slyly [با کم رویی] /shy- shyly : استثناء

2- simple- simply [به راحتی] comfortable - comfortably حذف le از آخر کلمه

3- scientific-scientifically [از نظر اقتصادی] economic - economically ically تبدیل به ic - [از نظر علمی]

public- publicly [استثناء]

4- اکثر کلماتی که به حرف (e) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، حرف (e) حذف نمی شود.

بطور [whole- wholly / - /true- truly / -] [استثناء] /polite - politely/ complete- completely / [کامل/ کاملاً]

5- اکثر کلماتی که به پسوند (ful) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، به شکل (fully -) نوشته می شود.

careful- carefully/ hopeful- hopefully / /beautiful- beautifully /
[بطور کامل/ کاملاً] full- fully: [استثناء]

6- اکثر کلماتی که به حرف (l) ختم می شوند، موقع افزودن (-ly)، به شکل (lly -) نوشته می شود.

cruel- cruelly / final - finally / formal- formally [بطور رسمی]

In the Name of Allah

GRAMMAR AND WRITING OF VISION (2)

**نکات گرامری و نوشتاری
زبان انگلیسی پایه ی یازدهم**

In the Name of Allah

گرامر و رایتینگ درس اول پایه یازدهم :

Countable & Uncountable Nouns

اسم های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم قابل شمارش : اسم هایی که هم شکل مفرد و هم شکل جمع دارند و شکل مفرد آنها ، معمولاً با a / an بکار می رود .

a book - books
a child - children

a chair - chairs
a tooth - teeth

a person - people
a dollar - dollars

a man - men
a sheep - sheep

اسم غیر قابل شمارش : اسم هایی که شکل جمع ندارند و یک شکل دارند و شکل مفرد آنها با a / an بکار نمی رود .
تعدادی از اسم های غیر قابل شمارش که در محدوده ی کتابهای درسی و تستهای کنکور می باشند عبارتند از :
الف: اکثر مایعات، نوشیدنی ها و گاز ها :

fuel , blood, water, milk, tea, juice, coffee , oxygen , smoke, air

ب: اسم های مربوط به جنس، مواد و برخی از غذا ها :

silver , gold , cotton , wood, iron, meat, butter, bread, rice, sugar, salt, soup

ج: زبان ها :

English, Persian, Chinese, Arabic

د: برخی از اسم های معنی (انتزاعی) :

love, honesty, happiness, beauty, health, knowledge

ه - برخی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از :

money, homework, information, advice, furniture, weather, traffic, news, time, food, light, play, room, noise, work, glass, paper

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی قابل شمارش می آیند عبارتند از :

تعداد خیلی کم (کافی نیست) = تقریباً هیچ = few (-) مفهوم منفی دارد.	I have <u>few</u> friends here. I feel lonely. من دوستان خیلی کمی اینجا دارم. احساس تنهایی می کنم.
تعداد کمی = چند تایی = a few (+) مفهوم مثبت دارد.	I have <u>a few</u> friends here. I don't feel lonely. من چندتایی دوست اینجا دارم. احساس تنهایی نمی کنم.
تعداد زیادی = many بیشتر در جملات سؤالی و منفی استفاده می شود.	Are there <u>many</u> cars in the street? I don't have <u>many</u> friends.
تعدادی = several	تعدادی میوهان several animals
چند تا / چه تعداد = how many	How many pencils do you have?

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

(-) little مقدار خیلی کم (ناکافی) مفهوم منفی دارد	I have <u>little</u> money. We can't buy fruit. من مقدار خیلی کمی پول دارم. ما نمی توانیم میوه بخریم. (واسه خریدن میوه پولم کافی نیست)
(+) a little (مفهوم مثبت دارد)= مقدار کمی	I have <u>a little</u> money. Let's buy some fruit. من مقدار کمی پول دارم. بیا مقداری میوه بخریم. (واسه خریدن میوه پولم کافی است).
much= مقدار زیادی بیشتر در جملات سوالی و منفی استفاده می شود.	I didn't buy <u>much</u> bread. Is there <u>much</u> water in the glass?
how much= چه مقدار ؟	<u>How much</u> money do you need?

صفات کمی که هم قبل از اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

some= تعدادی / مقداری (در جملات خبری مثبت استفاده میشه)	There is <u>some</u> bread on the table. There are <u>some</u> plates on the table
a lot of= تعداد یا مقدار زیادی (رسمی) lots of= تعداد یا مقدار زیادی (غیررسمی) plenty of = تعداد یا مقدار زیادی (بیشتر در جملات خبری مثبت استفاده می شوند.)	She needs <u>a lot of</u> books. He has <u>lots of</u> friends. She has <u>plenty of</u> money.
all= همه	<u>all</u> the girls <u>all</u> the money
any= هیچ در جمله های منفی و سوالی به جای some استفاده می شود.	Do you have <u>any</u> money? I don't have <u>any</u> brothers.
no= هیچ (در جمله های خبری استفاده می شود و مفهوم منفی دارد.)	I have <u>no</u> time. She has <u>no</u> Spanish books.

کلمات اندازه گیری و پیمانه ها برای اسامی غیر قابل شمارش

Containers & Measure Words for Uncountable Nouns

a bottle of یک بطری	water/ milk
a cup of یک فنجان	tea / coffee
a glass of یک لیوان	water / milk / juice
a bag of یک کیسه	rice/sugar/flour
a piece of یک تکه / یک	cake/ paper/ advice / bread/ cheese/ news/ furniture/ wood / land/ information / clothing
a slice of یک قاچ / تکه	cake / cheese / melon / pizza
a kilo of یک کیلو	rice/ meat
a loaf (loaves) یک قرص	bread
a drop of یک قطره	water/ rain/ blood
a jar of یک شیشه (ظرف)	jam / honey
a bar of یک قالب / یک شمش	chocolate / gold/ soap
a carton of یک کارتن / پاکت	milk/ juice/ ice cream
a can (tin) of یک قوطی	soup / tuna / paint
a bowl of یک کاسه (پیاله)	soup
a sheet of یک ورق	paper / metal / ice
a tube of یک لوله (تیوبی)	glue / toothpaste
a packet/box of یک بسته	sugar / tomato sauce

نکته: برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش، از کلمات اندازه گیری و ظروف (پیمانه ها) استفاده می کنیم. که این کلمات اندازه گیری (مُمیزها) را می توانیم جمع ببندیم، اما خود اسم های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند (جمع بسته نمی شوند).

1-She drinks two cups of tea every morning.

او هرروز صبح دو فنجان چای (دوتا چایی) می خورد (می نوشد).

2-I bought three loaves of bread yesterday morning.

سه قرص نان (سه تا نان) دیروز صبح خریدم.

نکاتی در مورد نوشتن و خواندن اعداد:

- 1- اعداد ، قبل از اسم های قابل شمارش می آیند. اگر عدد یک (one=1) بیاد، اسم بصورت مفرد می آید ،اما بعد از بقیه ی اعداد (two, three, four ...) اسم بصورت جمع میاد.

one book – three books - ten books

- 2- در نوشتن اعداد (21 تا 99) بصورت مروفی، به جزء مضرب های ده (...30-20-10) ، بین دهگان و یکان این اعداد، فط تیره کوتاه (hyphen , (-) گذاشته می شود.

21= twenty-one 22= twenty-two 45= forty-five 99 = ninety-nine

- 3- به خواندن و نوشتن اعداد زیر بصورت مروفی دقت شود.

100= one hundred	200 = two hundred
1000=one thousand	2000 = two thousand
1000000 = one million	2000000 = two million
1000000000 = one billion	2000000000 = two billion

- نکته 1: اگر اعداد (hundred, thousand, million, billion) قبل از اسم بیایند. (یعنی نقش صفت را داشته باشند)، (S) جمع نمی گیرند.

1-There were about two hundred people at the meeting. (جمله درست)

2-There were about two hundreds people at the meeting. (جمله نادرست)

- نکته 2: اگر اعداد، با سافتار (hundred, thousand, million , billion) of + nouns)، (S) جمع می گیرد.

1-It has happened hundreds of times.

2- Millions of people live in this area.

- نکته 3: به سافتار زیر ، در ترتیب اعداد، صفات و اسم ها که پشت سر هم در یک جمله استفاده می شوند، دقت کنید .

اسم + صفت + عدد

1-There are five beautiful trees in the garden.

2- She took forty-six interesting photographs yesterday.

پیش رایتینگ درس اول زبان یازدهم:

Simple Sentences

جملات ساده (در زبان انگلیسی)

- هر جمله ساده در زبان انگلیسی، باید حداقل یک فاعل (subject) و یک فعل (verb) داشته باشد.

1-My father is sleeping.

subject verb

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده ، در زبان انگلیسی عبارتند از :

subject + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

2-Our teacher	explained	the lesson	carefully	in class	yesterday.
subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time

نکته 1: جمله می تواند هم فعل اصلی داشته باشد و هم فعل کمکی.

3-They can ride a bike.

فعل اصلی+ فعل کمکی

نکته 2 : قید های تکرار (adverbs of frequency) معمولاً بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آیند.

always / usually / often/ sometimes/ rarely بندرت / seldom بندرت / never...

6- He usually comes to class late. 7-She may often be late. 8-They are usually on time.

نکته 3: گاهی اوقات ، قید های حالت قبل از فعل اصلی می آیند (بویژه در جملات مجهول ، قبل از اسم مفعول pp می آیند).

9-The lesson was carefully explained by the teacher yesterday.

نکته 4 : برقی از افعال، دو مفعول دارند. (1- مفعول مستقیم 2- مفعول غیر مستقیم). به سافتار های زیر توجه کنید.

مفعول غیر مستقیم	to/for + مفعول مستقیم
------------------	-----------------------

10-I gave a book to Mina last week.

11- I will buy a cellphone for you next week.

مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم

12-I gave Mina a book last week.

13-I will buy you a cellphone next week.

گرامر درس دوم (زبان انگلیسی پایه یازدهم):

Present Perfect

مال کامل (ماضی نقلی)

طرز ساخت (زمان مال کامل) ماضی نقلی : subject + have / has + pp + ...

1-We have lived in Tehran since 2012.

2-She has lived in Tehran for 8 years.

نکته 1: Past participle = اسم مفعول (pp) افعال با قاعده با افزودن { d/ed } ساخته می شود و افعال بی قاعده باید

اسم مفعول (شکل سوم) آن ها را حفظ کنیم .

play – played – played

study – studied – studied

watch – watched – watched

put – put – put

buy – bought – bought

go – went – gone

نکته 2: برای منفی کردن مال کامل (ماضی نقلی) به فعل های کمکی { have / has } ، (not / n't) افزوده می شود.

3- I have not done my homework yet.

4- She hasn't spoken to me since last week.

نکته 3: برای سؤالی کردن مال کامل (ماضی نقلی) ، جای فعل کمکی { have / has } با فاعل عوض می شود.

5- Have you finished your homework yet?

6- Has she lived in Tehran for 8 years?

7- How long have you lived in this house?

نکته 4: در (زمان ماضی نقلی ، مخفف (شکل کوتاه شده) " has " بصورت ('s) و مخفف have بصورت ('ve) می باشد.

8-We've studied English for 2 hours.

9-It's rained here since last night.

***موارد کاربرد مال کامل (ماضی نقلی) :

1- برای بیان کاری یا عملی که در گذشته نامعلوم انجام شده است :

10- I have seen this film.

این فیلم را دیده ام. (در زمانی در گذشته)

11. I have read this book.

این کتاب را خوانده ام. (در زمانی در گذشته)

2- بیان کاری یا عملی در گذشته ، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان مال باقی مانده است.

12- I have memorized the dialog.

من دیالوگ را حفظ کرده ام. (الان هم حفظ هست.)

13- I have opened the door.

من در را باز کرده ام. (الان هم در باز است.)

3 – برای بیان کار یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان مال ادامه داشته است. { for / since }

14-We have lived in this house for 12 years.

برای دوازده سال است که در این خانه زندگی کرده ایم.

15- They have been at the hotel since last week.

از هفته گذشته در این هتل بوده اند.

✓ for (برای) با طول دوره ی زمانی بکار می رود.

(for 2 hours/ 5 days/ a week/ 2 months /3 years/ ...)

✓ Since (از) با شروع و مبدأ زمان به کار می رود.

(since two o'clock/ this morning / last week / 1998 / ...)

***نکات اضافی در مورد { for / since }

✓ اگر بعد از since جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن مال کامل (ماضی نقلی) می باشد.

16- I haven't played football since I left university.

✓ اما با توجه به مفهوم جمله گاهی اوقات بعد از since جمله به صورت ماضی نقلی (مال کامل) هم بکار می رود.

17- I've known her since I have lived here.

✓ بعد از since then (از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (مال کامل) بکار می رود.

18- I left school in 2012, and since then I've lived in London.

- به تفاوت دو جمله زیر دقت شود.

19- He hasn't smoked a cigarette since last month.

او از هفته قبل سیگار نکشیده است.

20- He hasn't smoked a cigarette for the last month.

او در طول یک هفته گذشته سیگار نکشیده است.

- در مثال 20، به مرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

4- بیان کار یا عملی در گذشته نزدیک با قید های (just به تازگی / اندکی قبل / lately اخیراً / recently اخیراً)

21- They have just left home.

22- David has recently come back from Canada.

23- I have been very busy lately.

5- برای بیان کار یا عملی که قبل از مال (در زمان گذشته) چندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم وجود دارد).

24 - He has written 3 books and he is working on another one.

25- I have seen this film several times .

26- My uncle is a writer. He has written many books.

- در مثال زیر ، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد ، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.

27- My uncle died last year. He wrote many books. -

6 - با قیدهای 1- (تا کنون) = { so far, until now / up to now } 2- هنوز= yet } در جملات منفی و سوالی

3- already = قبلاً 4- ever, never, 5- in /for the last few days

28- We have taken 3 tests so far.

29- We have had 20 Olympic Games up to now.

30- I haven't finished my homework yet.

- 31- Has she finished her homework yet?
 32- I have already done my homework.
 33- Have you ever been to Paris? No, I have never been there.
 34- I have met a lot of people in /for the last few days.

7- بعد از صفات عالی مانند the first, the second, ... اعداد ترتیبی و the best, the most (beautiful), the worst

- 35- This is the best book that I have ever read.
 36- This is the first time I've driven a car.
 37- This is the most beautiful park that I've ever seen.
 38- I have lost my passport. It is the second time this has happened.

8- با قیده‌های زمان today, this morning, this week / month, this evening

اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل، موعد آن زمان تمام نشده باشد.

- 39- I have written 3 letters this morning.

امروز صبح 3 نامه نوشته ام. (امروز صبح هنوز تمام نشده است)

9- مقایسه مال کامل با گذشته ساده در برخی از جملات :

- 40- Tom has lost his key. (کلیدش هنوز پیدا نشده است.)

- 41- Tom lost his key. (نامی دانیم کلیدش پیدا شده است یا نه.)

- 42- My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)

- یعنی دوستم قبلاً در پاریس بوده و الان دیگر آنجا نیست. (یعنی الان به خانه و یا وطنش برگشته است)

- 43- My friend has been in Paris for 2 years.

- دوستم 2 سال است که در پاریس بوده است. (یعنی الان هم در پاریس است.)

- 44- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)

- دوستم به پاریس رفته است. (یعنی رفته به پاریس و به خانه و یا وطنش نبرنگشته است.)

- 45- She has lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرده است. (الان هم در تهران زندگی می کند.))

- 46- She lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرد. (الان در تهران زندگی نمی کند.))

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) در زبان انگلیسی :

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) به دو گروه تقسیم می شوند.

1- افعال دو کلمه ای لازم : (Intransitive Verbs) 2- افعال دو کلمه ای متعدی : (Transitive Verbs)

1. افعال دو کلمه ای لازم : (Intransitive Verbs) : افعالی هستند، که مفعول نمی گیرند.

1-She grew up in Rasht.

2- His father passed away last year.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) لازم در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور عبارتند از :

check in= (فارغ شدن / تمویل دادن اتاق) check out= (پذیرش گرفتن / اعلام ورود کردن)

wake up بیدار شدن get up برافراستن از رفتنواب get away= (در رفتن / دور شدن)

go away= (دور شدن / در رفتن) hang out= (بیرون رفتن)

hurry up= (عجله کردن) look back= (فکر کردن به گذشته/ به عقب نگاه کردن)

turn round= (دور زدن / برگشتن) watch out = look out (مراقب بودن)

die out= (خاموش شدن/ قطع شدن برق) go out= (بزرگ شدن) grow up= (منقرض شدن/ از بین رفتن)

pass away= (مردن/ درگذشتن) get around = (شیوع پیدا کردن بیماری/ پخش شدن خبر)

2. افعال دو کلمه ای متعدی : (Transitive Verbs) : افعالی هستند، که مفعول می گیرند.

3-I am looking for my keys.

4- He turned off the lights.

افعال دو کلمه ای متعدی ، به دو گروه تقسیم می شوند.

الف) افعال جدا شدنی (Separable Verbs) ب) افعال جدا نشدنی (Inseparable Verbs)

الف) افعال جدا شدنی (Separable Verbs) : افعال جدا شدنی که در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور هستند عبارتند

از :

turn on= (روشن کردن) turn off= (خاموش کردن) turn up= (زیاد کردن صدا)

turn down= (کم کردن صدا) put on= (پوشیدن لباس) take off= (در آوردن لباس)

call up= (تلفن کردن) pick up= (برداشتن) wake up= (بیدار کردن)

look up= (پس دادن) give back= (ترک کردن کار یا عملی) give up= (پیدا کردن لغت در کتاب یا دیکشنری)

call back= (خاموش کردن آتش) put out= (قطع کردن / بریدن درختان) cut down= (دوباره زنگ زدن)

fill in/out= (تکمیل کردن) take away= (چیزی را از کسی گرفتن / از میان برداشتن)

put aside= (کنار گذاشتن) keep off= (وارد جایی نشدن / پرهیز کردن)

نکته 1: اگر مفعول این افعال اسم باشد، جدا کردن / یا جدا نکردن جزء قیدی، به اختیار است. (به عبارت دیگر اسم می تواند قبل یا بعد جزء قیدی قرار گیرد.)

5-He turned on the lights.

6-He turned the lights on.

نکته 2: اگر مفعول این افعال، به شکل ضمیر مفعولی باشد، جزء قیدی متماً جدا می شود. (به عبارت دیگر ضمیر مفعولی

بین فعل و جزء قیدی قرار می گیرد.) ضمائر مفعولی عبارتند از: me - you - him - her - it - us - you - them

7- Did Ali turn off the lights? Yes, he turned them off.

ب) افعال جدا نشدنی (Inseparable Verbs)؛ افعال دو کلمه ای هستند که مروف اضافه اشان از بخش فعلی جدا نمی شوند.

She is looking at the picture. = She is looking at it.

افعال جدا نشدنی که در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور می باشند عبارتند از:

look at = (نگاه کردن) look for= search for (جستجو کردن/ گشتن) look after= (v) مراقبت کردن از

talk about= (صحبت کردن در باره) talk to/ with= (صحبت کردنبا) speak to / with = (صحبت کردن با)

wait for= (منتظر ماندن برای) think about/ of= (فکر کردن درباره) pay for= پرداختن پول برای

بخش رایتینگ درس دوم (زبان انگلیسی پایه یازدهم)	Gerund (/ اسم مصدر) :
--	-------------------------

هر گاه فعل ing دار به عنوان یک اسم بکار رود به آن Gerund (/ اسم مصدر) می گویند .

اسم مصدر	=	ing + فعل
----------	---	-----------

موارد کاربرد اسم مصدر (فعل ing دار) :

1 -	اسم مصدر به عنوان فاعل در اول جمله :
-----	--------------------------------------

1. Driving carelessly is dangerous.

2. Playing ping-pong for 2 hours made him tired.

3. Swimming is enjoyable.

2 -	اسم مصدر به عنوان مفعول مستقیم بعد از فعل های زیر :
-----	---

imagine - quit - give up - finish - enjoy - practice - keep (on) - like - love
--

4- Can you imagine living on the moon?

5-He quit smoking last year.

6- My father gave up eating fast food.

7-She finished doing her homework.

8- I love reading storybooks. (to read)

9- Young children enjoy playing.

10- Let's practice speaking English.

11- I keep telling you, but you won't listen to me.

12- Although we tried to stop him, he kept on talking.

Stop - mind - miss - avoid - risk - dislike (فارغ از بخش گرامر کتاب درسی ، اما مهم)

- 14- Come on. Stop being a couch potato.
 15- Would you mind opening the door?
 16- I miss getting up at six o'clock every morning.
 17- The best way to lose weight is to avoid eating fatty foods.
 18- Hurry up! I don't want to risk missing the last train.
 19- My sister dislikes washing the dirty dishes.

3 - اسم مصدر به عنوان مفعول مرف اضافه که بعد از مروف اضافه می آید:

in, of, from, for, on, with, without, about, at, up, after, before, by, ... : مروف اضافه

- 20- I am tired of washing the dishes.
 21- We were thinking about repairing the house.
 22- He is interested in reading story books.
 23- Mrs. Karimi told them to brush their teeth before going to bed.
 24- I was surprised that she left without saying good-bye to anyone.
 25- My sister is good at drawing flowers.

4- اسم مصدر به عنوان کامل کننده فاعل (بعد از فعل ربطی) :

- 26- a) Mina's favorite hobby is writing poems. b) Mina is writing poems now.
 27- a) Her favorite activity is reading story books. b) She is reading story books now.
 28- a) His hobby was traveling to other countries. b) He was travelling in Europe.

در مثال های بالا بخش اول (a) اسم مصدر هستند ، اما در بخش دوم (b) فعل هستند که بصورت حال استمراری یا گذشته استمراری بکار رفته اند.

5 - اسم مصدر بعد از فعل go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریحی :

go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing / go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing / go mountain climbing

- 29- My father goes jogging every morning.
 30- We went hunting in the forest last week.

6 - اسم مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی (بویژه در علائم هشدار دهنده) :

No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / No swimming / No hunting / No Overtaking

گرامر درس سوم زبان انگلیسی پایه یازدهم :

جمله شرطی نوع اول

(1) Conditional Sentence Type :

ساختار جمله ی شرطی نوع اول

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول امتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده وجود دارد . هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

1- قسمت شرط ، که با If (اگر) شروع می شود . 2- قسمت جواب و نتیجه ی شرط

1- a) If you study hard, you will pass the test.

قسمت شرط جواب شرط

اگر سفت درس بفوانی، در امتحان قبول فواهی شد.

- اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کاما « , » نیست .

b) You will pass the test if you study hard.

: ساختار شرطی نوع اول

مصدر بدون will + to + فاعل , زمان حال ساده If

جواب شرط قسمت شرط

نکته ی 1 : مخفف will بصورت ('ll) نوشته می شود .

2- If I get a good job, I'll stay here.

نکته ی اضافی 2 : در شرطی نوع اول، می توان به جای will از have to, , must , should , can , may

be going to و might هم استفاده کرد.

3- If you are in a hurry, you can take a taxi.

4- If you don't go now, you may miss the train.

5- If it rains, we should stay at home.

6- If you want to succeed, you must study hard.

7- If you want to learn English, you have to practice hard.

8- If she passes all her exams, we are going to buy her a good present.

9- If you phone me after 12 o'clock, I might be in bed.

نکته ی اضافی 3 : در شرطی نوع اول ، در جواب شرط ، برای بیان دستورالعمل، توصیه ، نصیحت و هشدار ، می توان

از جمله ی امری نیز استفاده کرد.

10- If you want to help me, call the doctor.

11- Don't forget to lock the door if you go out.

نکته اضافی 4 : موقع سؤالی کردن جملات شرطی ، جواب و نتیجه شرط به صورت سؤالی در می آید .

12- What will you do if you are cold?

13- Will he pass the test if he doesn't study hard?

گرامر درس سوم (3) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

Present Participle & Past Participle

صفت فاعلی و صفت مفعولی:

الف: صفت مفعولی : یک صفت اثر پذیر است و با افزودن -ed به فعل یا سافتن قسمت سوم فعل درست می شود. معمولاً احساس یک انسان را ، نسبت به چیزها یا به افراد را نشان می دهد .

1- I am interested in history.

2- Ali was confused because the problem was confusing.

3- We were amused at her story.

4- My sister was frightened by the snake.

نکته : در اکثر موارد، صفت مفعولی برای انسان بکار می رود.

ب: یک صفت اثر گذار است و با افزودن -ing به فعل درست می شود. معمولاً برای نشان دادن مس یا حالتی که شخصی یا چیزی در مطابقت ایجاد می کند ، بکار می رود .

5- The film was boring.

6- It was an amusing story.

7- Her job is exciting .

نکته : صفت فاعلی ، معمولاً برای اشاره به اسامی بی جان (غیر انسان) بکار می رود.

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های آور / انگیز / کننده معنی می شوند.)

نکته اضافی : صفت فاعلی برای اشاره به انسان نیز می تواند بکار رود (اکثر کتاب های درسی ، به آن اشاره نمی شود) .

8- He is a very boring person. او شخص بسیار کسل کننده ای است.

مهم ترین صفات مفعولی و فاعلی در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور عبارتند از :

صفت مفعولی	صفت فاعلی
amazed (at/ by) شگفت زده	amazing شگفت آور
amused (at/by) سرگرم (شده)	amusing سرگرم کننده
bored (with /of) کسل / خسته (شده)	boring کسل کننده (خسته کننده)
tired (of) خسته (شده)	tiring خسته کننده
confused (about) گیج (شده)	confusing گیج کننده
depressed (about) افسرده / غمگین	depressing افسرده کننده
excited (about/at/by) هیجان زده	exciting هیجان انگیز (مهیج)
frightened (of) ترسیده / وحشت زده	frightening ترسناک - ترساننده
interested (in) علاقمند	interesting جالب (علاقمند کننده)

shocked (at/by) شوکه (شده)	shocking هولناک (شوک آور)
surprised (at/by) متعجب	surprising تعجب انگیز (تعجب آور)
satisfied (with) راضی / فوشمال	satisfying فشنود کننده / راضی کننده

بفش رایتینگ درس سوم زبان انگلیسی پایه یازدهم

To + verb = infinitive

مصدر با to

: 1. مصدر با to به عنوان فاعل جمله:

1- To drive carelessly is dangerous. = Driving carelessly is dangerous.

2- To learn a language can be interesting. = learning a language can be interesting.

: 1. مصدر با to به عنوان مفعول جمله بعد از افعال زیر:

- | | | |
|----------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| 1-choose (انتخاب کردن) | 2-decide (تصمیم گرفتن) | 3-want (فواستنن) |
| 4 - promise (قول دادن) | 5- wait (منتظر ماندن) | 6-agree (موافق بودن) |
| 7- learn (یاد گرفتن) | 8-attempt (تلاش کردن) | 9-*like (دوست داشتن) |
| 10-*forget (فراموش کردن) | 11-*remember (به یاد آوردن) | 12-*try (تلاش کردن) |
| (افعال کتاب دانش آموز) | | |
| 12 tell (گفتن) | 13-ask (فواستنن / سوال کردن) | 14-*advise (نصیحت کردن) |
| 15-hope (امیدوار بودن) | 16-plan (برنامه ریزی کردن) | 17-*begin (شروع کردن) |
| (افعال کتاب کار) | | |

نکته 1 : در برخی از افعال ، بلافاصله بعد از آنها فعل دوم به شکل مصدر با to می آیند .

3-We decided to change our plans.

4-She wanted to buy an Iranian handicraft.

نکته 2: اما یک تعدادی از افعال هم وجود دارند که بعد از آنها ابتدا بعد از آنها مفعول و سپس فعل دوم به شکل

مصدر با to می آیند. (برخی از فعل ها با هر دو سافتار بکار می روند).

5- I want to go.

6- I want you to go.

به مثال های زیر، برای هر یک از افعال بالا ، دقت کنید.

7-I chose to learn German rather than French. [rather than = به جای]

8- They chose Donald to be their leader.

9-Tina has decided to go to Rome for her holidays.

10-I want to study physics now.

11-I don't want Linda to hear about this.

12- He promised to give back the book.

- 13- Are you waiting to use the phone?
 14- I waited for Reza to say something.
 15- The teacher agreed to finish the class 5 minutes early.
 16- I learned to drive when I was 18.
 17- In this lesson, I will attempt to explain infinitives.

نکته : برای منفی کردن مصدر ، قبل از مصدر با to ، (not) می آوریم.

- 18- I decided not to go.
 19- His parents advised him not to eat fast food.

3. مصدر با to برای نشان دادن قصد و هدف از انجام کار یا عملی:

- 20- He went there to see his friend.
 21- To learn English, you should practice a lot.

4. مصدر با to بعد از برخی از صفات: بعد از صفاتی که نشانگر اهمیت ، تکرار عمل، امساعات شفصی ، سفتی و آسانی کار و غیره ... باشند ، فعل بصورت مصدر با to بکار می رود .

لیست صفاتی که در ممدوده کتاب درسی و کنکور می باشند و بعد از آنها، مصدر با to بکار می رود.

happy (خوشحال) sad (غمگین / نارامت) careful (مواظب و مراقب) certain (مطمئن)
 glad (شاد / خوشحال) shocked (شوکه / بهت زده) sorry (متأسف) amazed (شگفت زده)
 ashamed (خوشحال) fortunate (خوش شانس) lucky (خوش شانس) surprised (متعجب)
 dangerous (خطر ناک) easy (آسان) hard=difficult (سخت و مشکل) possible (ممکن) impossible
 (ضروری) necessary (مهم) important (غیرممکن)

- 22- We are happy to be here.
 23- Ali was really sad to leave us.
 24- The heavy rain made it hard for us to drive easily.
 25- Overactive children find it difficult to concentrate.
 26- I was careful not to burn myself.
 27- Prices are almost certain to increase.
 28- Members will be glad to hear him speak again.

In the Name of Allah

GRAMMAR AND WRITING OF VISION (3)

**نکات گرامری و نوشتاری
زبان انگلیسی پایه ی دوازدهم**

In the Name of Allah

گرامر و رایتینگ درس اول زبان انگلیسی پایه دوازدهم

تبدیل جملات معلوم به مجهول :

جمله معلوم : جمله ای که فاعل آن مشخص باشد و در ابتدای جمله بیاید .

I clean my room every day.

مفعول فعل فاعل

جمله مجهول : جمله ای است که فاعل آن در اول جمله نیامده و مفعول به جای فاعل در ابتدای جمله قرار می گیرد.

My room is cleaned every day.

مفعول

مراحل تبدیل جمله ی معلوم به مجهول :

1- فاعل جمله را حذف می کنیم .

2. مفعول را به اول جمله می آوریم .

3- شکل صحیح فعل to be را با توجه به مفعول و زمان جمله می نویسیم . (طبق الگو هایی که در زیر ارائه خواهد شد.)

4- قسمت سوم یا اسم مفعول فعل (past participle) را می نویسیم. اسم مفعول افعال با قاعده با افزودن d/ed ساخته می شود و افعال بی قاعده باید مفظ شود.

5- در صورت تمایل می توانیم عبارت (فاعل + by) را بعد از اسم مفعول بیاوریم .

(اگر فاعل جمله، شی یا ابزار باشد، از حرف اضافه (with) به جای (by) استفاده می شود)

Snow covered the yard. (جمله معلوم) :

The yard was covered with snow. (جمله مجهول) :

میاط با برف پوشیده شد.

***طرز ساخت مجهول زمان های مختلف:

در الگو های زیر pp نشانگر اسم مفعول فعل (past participle) است.

am, is, are +pp : (simple present tense) زمان حال ساده

She types a letter every day. (جمله معلوم)

اوهر روز نامه ای تایپ می کند.

A letter is typed every day. (جمله مجهول)

نامه ای هر روز تایپ می شود.

was, were + pp : (simple past tense) (زمان گذشته ساده)

(جمله معلوم) : She typed a letter yesterday.

او دیروز نامه ای تایپ کرد.

(جمله مجهول) : A letter was typed yesterday.

نامه ای دیروز تایپ شد.

have , has + been + pp : (present perfect tense) (زمان حال کامل (ماضی نقلی)

(جمله معلوم) : She has typed a letter recently.

او نامه ای اخیراً تایپ کرده است.

(جمله مجهول) : A letter has been typed recently.

نامه ای اخیراً تایپ شده است.

توجه : دانش آموزان عزیز، در کتاب درسی پایه دوازدهم درس اول ، فقط به مجهول کردن فعل های (زمان حال ساده، گذشته ساده و ماضی نقلی (حال کامل) که در بالا اومده، پرداخته شده است، اما بهتر است برای درک بهتر متن ها و کلوژ تست ها، مجهول فعل های (زمان های دیگر) را هم یاد بگیرید.

will/be going to + be + pp : (future simple tense) (زمان آینده ساده)

(جمله معلوم) : She will type a letter tomorrow.

(جمله مجهول) : A letter will be typed tomorrow.

نامه ای فردا تایپ خواهد شد

(جمله معلوم) : She is going to type a letter tomorrow.

(جمله مجهول) : A letter is going to be typed tomorrow.

نامه ای قرار است فردا تایپ شود.

am , is , are + being + pp : (present continuous tense) (زمان حال استمراری)

(جمله معلوم) : She is typing a letter now.

(جمله مجهول) : A letter is being typed now.

نامه ای الان دارد تایپ می شود.

(past continuous tense) (زمان گذشته ی استمراری) was , were + being + pp

(جمله معلوم) : She was typing a letter yesterday.

او دیروز داشت نامه ای تایپ می کرد.

(جمله مجهول) : A letter was being typed yesterday.

نامه ای دیروز داشت تایپ می شد.

نکته اضافی 1: موقع سوالی کردن جملات مجهول ، جای اولین فعل کمکی با فاعل عوض می شود .

Their names must be written on this page today.

[جمله مجهول - سوالی] Must their names be written on this page today?

The monkeys have been studied in this lab for many years.

[جمله مجهول - سوالی] Where have the monkeys been studied for many years?

نکته اضافی 2: موقع منفی کردن جملات مجهول ، به اولین فعل کمکی not/n't اضافه می شود.

The window was broken yesterday.

[جمله مجهول - منفی] The window was not broken yesterday.

The letter will be typed tomorrow.

[جمله مجهول - منفی] The letter won't be typed tomorrow.

نکته اضافی 3 : اگر جمله دو مفعول مستقیم و غیر مستقیم داشته باشد موقع مجهول کردن ، معمولاً بهتر است مفعول مستقیم (مفعول غیرشخصی) به ابتدای جمله بیاید .

I gave Ali a book yesterday. or I gave a book to Ali yesterday.

The book was given to Ali yesterday.

کتابی دیروز به علی داده شد. (این جمله متداول تر است)

Ali was given the book yesterday.

به علی دیروز کتابی داده شد.

نکته اضافی 4 : معمولاً در جملات مجهول ، قید حالت قبل از pp بکار می رود .

Betty ate the dinner happily last night. (جمله معلوم) :

The dinner was happily eaten by Betty last night. (جمله مجهول) :

نکته اضافی 5: برای مجهول کردن اسم مصدر از سافتر زیر استفاده می کنیم.

being + pp

I remember my father taking me to the zoo. (جمله معلوم) :

I remember being taken to the zoo by my father. (جمله مجهول) :

نکته اضافی 6: برای مجهول کردن مصدر از ساختار زیر استفاده می کنیم.

to be + pp

My father wanted my brother to post the letter yesterday.

My father wanted the letter to be posted by my brother yesterday.

نکته اضافی 7: طرز مجهول کردن جمله واره های فبری (noun clause/that clause) :

جملاتی که با فعل های (think / say / believe / know / suppose / consider) شروع می شوند. دو روش برای مجهول کردن این جمله ها داریم.

1- (It) را به اول جمله اضافه می کنیم سپس فعل اصلی جمله ی پایه را مجهول می کنیم.

1. People say that he is 95 years old.

It is said that he is 95 years old.

2. We expect that the weather will be good tomorrow.

It is expected that the weather will be good tomorrow.

2- فاعل (that clause) را به اول جمله می آوریم، سپس فعل اصلی جمله ی پایه را مجهول می کنیم، در مرحله

ی آخر شکل مصدر فعل جمله دوم را می نویسیم. فعل that clause، معمولاً اگر زمان حال ساده و یا آینده

ساده باشد، به شکل مصدر با (to) بکار می رود.

1. People say that he is 95 years old.

He is said to be 95 years.

2. We expect that the weather will be good tomorrow.

The weather is expected to be good tomorrow.

Tag Questions

سوالات کوتاه آخر جمله فبری یا دم سوالی:

هرگاه گوینده بخواهد نظرات و گفته های خود را توسط شنونده مورد تایید و موافقت قرار دهد، و یا به صمت یک موضوع پی ببرد، از نوعی جمله ی سوالی کوتاه در آخر جمله استفاده می کند که به آن (tag question) دم سوالی یا پرسش کوتاه می گویند.

1-Reza is a student, isn't he? [مگه نه؟/ اینطور نیست؟]

2-They can't speak English, can they?

نکاتی که باید در دم سوالی رعایت شود:

نکته 1: اگر جمله فبری مثبت باشد، دم سوالی منفی و اگر جمله ی فبری منفی باشد، دم سوالی باید به صورت مثبت باشد.

دم سوالی منفی	+	جمله ی فبری مثبت
دم سوالی مثبت	+	جمله ی فبری منفی

نکته 2: در دم سوالی باید از ضمائر فاعلی به جای اسم استفاده شود.

3- Mina was at home yesterday, wasn't she?

نکته 3: در اکثر موارد در دم سوالی های منفی از شکل مخفف (کوتاه شده) استفاده می شود.

4-You will leave home tomorrow, won't you?

- دم سوالی های منفی، در انگلیسی رسمی از شکل کامل فعل کمکی منفی هم بصورت زیر استفاده می شود.

not + فاعل	+	فعل کمکی
------------	---	----------

5-They promised to give the money back in two weeks, did they not?

6-I am a teacher, am I not? (به جای aren't I)

نکته 4: در دم سوالی، اگر جمله ی فبری فعل کمکی داشته باشد از خودشان استفاده می شود. اگر در جمله ی فبری فعل کمکی نباشد در زمان حال ساده از فعل های کمکی do / does و در گذشته ی ساده از did استفاده می کنیم.

7-Ali lives in Rasht, doesn't he?

8-The students play football, don't they?

9- John went to the party last night, didn't he?

10- We played football yesterday, didn't we?

نکته 5: اگر جمله فبری، با there شروع شود، در دم سوالی به جای ضمائر فاعلی از خود there استفاده می شود.

11-There is a lot of traffic, isn't there?

نکته 6: اگر جمله ی خبری، با ضمائر اشاره مفرد that / this و ضمائر اشاره جمع those / these شروع شود، در دم سوالی به جای ضمائر اشاره مفرد از {it} و ضمائر اشاره جمع از {they} استفاده می شود.

12- This is a dictionary, isn't it?

13- Those are not tigers, are they?

نکته 7: اگر در جمله ی خبری، قید های منفی { hardly , rarely , never... } و صفت های کمی منفی { no / few / little } و ترکیبات { nobody / no one / nothing } وجود داشته باشد، از دم سوالی مثبت استفاده می شود.

14- He never goes to the library, does he?

15- The old man can hardly walk, can he?

16- Mina has few friends, does she?

17- We have little time to go to the stadium, do we?

18- Nothing bad happened, did it?

نکته 8: اگر فاعل جمله ی خبری { nobody / no one / somebody / someone / everyone / } باشد، در دم سوالی از ضمیر { they } استفاده می شود، اما اگر فاعل جمله ی خبری { something / everything , nothing } باشد، در دم سوالی از ضمیر { it } استفاده می شود.

19- Everybody knows Dr. Brown, don't they?

20- Somebody has come, haven't they?

21- Nobody phoned, did they?

22- Nothing is in the kitchen, is it?

نکته 9 (اضافی) : جملاتی (جمله واره های اسمی) که با I و فعل های های (think / believe / know) شروع می شوند، معمولاً دم سوالی ها، بر اساس جمله دوم، سافته می شود.

23- I think that she is a good English teacher, isn't she?

- اگر جمله اول منفی باشد (I don't think) ، دم سوالی جمله مثبت خواهد بود.

24- I don't think he speaks French well, does he?

25- I don't think it will rain, will it?

- اما اگر فاعل این فعل ها ، (I) نباشد ، معمولاً دم سوالی ها، بر اساس جمله اول ، سافته می شود. (هرچند برخی از گرامر نویسندگان اعتقاد دارند در این جملات هم با توجه مفهوم جمله ، دم سوالی را می توان ، براساس جمله دوم هم سافت.)

26- He thinks we should come back soon, doesn't he?

27- You don't know where the boss is, do you?

نکته 10 اضافی: اگر جمله ی خبری با I am شروع شود، دم سوالی آن به صورت I aren't یا am I not می باشد.

28- I am a teacher, aren't I / (am I not)?

نکته 11 (اضافی - زبان تفصیصی): برای جملات امری مثبت، در دم سؤالی معمولاً از will you استفاده می شود. گاهی اوقات به جای will you از (won't you / would you / can you / can't you / could you) نیز استفاده می شود.

- 29- Come in, won't you?
30- Close the door, will you?
31- Please clean your desk, would you?
32- Listen to the teacher, can't you?

- برای جملات امری منفی، در دم سؤالی، فقط از will you استفاده می شود.

- 33- Don't come late, will you?
34- Never try to frighten me, will you?

نکته 12- (اضافی - زبان تفصیصی): برای جملات شرطی دم سوالی بر اساس جواب شرط درست می شود و نه بر اساس قسمت شرط (if clause).

- 35- If you study hard, you will pass the exam, won't you?

نکته 13- (اضافی - زبان تفصیصی): اگر جمله ی بلند با let's شروع شود، دم سؤالی آن به صورت shall we خواهد بود.

- 36 - Let's watch TV, shall we?
37- Let's not discuss this now, shall we?

- اما اگر جمله ی بلند با let us شروع شود، دم سؤالی آن به صورت جملات امری، will you خواهد بود.

- 38- Let us go out for a walk, will you?

نکته 14- (اضافی - زبان تفصیصی): در جمله های مرکب، دم سوالی معمولاً بر اساس جمله ی دوم ساخته می شود.

- 39- We took part in the competition, but we didn't win any prizes, did we?
40- He was sick, so he couldn't attend the party, could he?

نکته 16 (اضافی - زبان تفصیصی): در جمله واره های قیدی با استفاده از کلمات ربط when, before after, و جمله واره های وصفی (who, whom/ which, ...) دم سوالی بر اساس جمله پایه (اصلی) ساخته می شود.

- 41- Reza had finished his homework when his parents arrived, hadn't he?
When Reza's parents arrived, he had finished his homework, hadn't he?
42- The man who lives next door is a police officer, isn't he?

- برای درک بیشتر دم سوالی ها، به مثال های زیر توجه کنید.

- 45- He's playing football, isn't he?
46- She's finished her homework, hasn't she?

- 47-She has a black bag, doesn't she?
 48- She has to wear uniform at school, doesn't she?
 49-He'd written the letter before, hadn't she?
 50-They'd rather go by bus, wouldn't they?
 51-They'd break the window if they played football in the yard, wouldn't they?
 52-You had better leave now, hadn't you?
 53-They had a test yesterday, didn't they?
 54- They had to finish the book yesterday, didn't they?
 55- a) My uncle put on his coat, didn't he? (فعل هایی که زمان حال و گذشته آنها به یک شکل هستند)
 b) My uncle puts on his coat, doesn't he?

بخش رایتینگ درس اول پایه دوازدهم

جملات مرکب با استفاده از کلمات ربط (and / but / or / so) :

جملات مرکب (compound sentences) : جملاتی هستند که معمولاً از ترکیب دو یا چند جمله ی ساده با استفاده از کلمات ربط تشکیل می شود. (به عبارت دیگر ، در جملات مرکب ، بیش از یک فاعل و فعل اصلی وجود دارد) ، اما جمله ی ساده (simple sentence) جمله ای است که تنها یک فاعل و یک فعل دارد.

جملات مرکب با and:

اینکلمه ی ربط به معنی (و) می باشد که اطلاعات جدیدی را به جمله اول اضافه می کند.

نکته 1 : در جملات مرکب ، موقعی که دو جمله ی ساده را بهم وصل می کنیم قبل از این کلمات ربط ، معمولاً از کاما (ویرگول) (,) استفاده می کنیم.

- 1- My brother did his homework. He watched TV. (and)
 My brother did his homework, and he watched TV.
 2- Mina got up early in the morning. She made some tea for breakfast. (and)
 Mina got up early in the morning, and she made some tea for breakfast.

نکته اضافی 2 : در جملات مرکب ، اگر فاعل هر دو جمله یکی باشد، فاعل جمله دوم و کاما (ویرگول) را می توان حذف کرد.

- 3- My brother stayed at home yesterday and watched TV.
 4- Mina got up early in the morning and made some tea for breakfast.

[فاعل جمله های دوم و کاما در جمله های بالا حذف شده است.]

جملات مرکب با but:

این کلمه ی ربط به معنی (اما) می باشد، برای نشان دادن تضاد و تفاوت بکار می رود.

- 5- Tom saw his physics teacher in the street. He didn't speak to him. (but)
 Tom saw his physics teacher in the street, but he didn't speak to him.
 6- The book was boring. Zahra had to read the book. (but)
 The book was boring, but Zahra had to read it.

جملات مرکب با or:

این کلمه ی ربط به معنی (یا) می باشد، در این نوع از جملات مرکب، ما دو انتخاب یا دو گزینه در پیش رو داریم.

7- Mina should clean the rooms, or she should wash the dishes.

8- Ali and Reza can watch TV, or they can listen to music.

نکته اضافی : حرف ربط (or) یک مفهوم دیگر هم، به معنی (وگرنه) دارد که در جملات شرطی کاربرد دارد. در این کاربرد، حرف ربط (or) هم معنی (or else وگرنه) و یا (otherwise وگرنه) می باشد.

9- You have to leave now, or you will miss the train.

10-We need to be there by 8, or (else) we will find it hard to park the car.

جملات مرکب با so:

این کلمه ی ربط به معنی (بنابراین) می باشد، برای نشان دادن نتیجه گیری بکار می رود. (به عبارت دیگر نشان می دهد که جمله ی دوم نتیجه ی جمله ی اول می باشد.)

11.It was very hot, so she opened the windows.

12.I was feeling hungry, so I made myself a sandwich.

نکته اضافی : برای ساختن جملات مرکب از کلمات ربط (for = چون) ، (nor = و نه) (yet = با وجود این ، اما) هم استفاده می شود.

13.He felt very cold, for it was snowing.

14.Cats are good pets, for they are clean and are not noisy.

15. I can't speak English, nor can I read it.

16. She does not drink milk, nor does she eat butter.

17. I have known him for a long time, yet I have never understood him.

18. John plays tennis very well, yet his favorite sport is soccer.

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه دوازدهم

جمله وارده های وصفی (Relative Clauses) و ضمائر موصولی : Relative Pronouns
who , whom , which , that
(که)

- از آن جایی که این کلمات به جای اسم می نشینند ، ضمیر نامیده می شوند و به این دلیل که دو جمله پایه و پیرو را به هم ربط می دهند موصول (وصل دهنده) نامیده می شوند . جمله ای که بعد از ضمیر موصولی می آید نقش وصفی دارد (یعنی اسم قبل از خود را توصیف می کند .)
Who : نقش فاعلی دارد و برای انسان کاربرد دارد.

فعل + who + انسان

1- The man is a police officer. He lives next door.

a) The man who lives next door is a police officer.

انسان فعل

b) The man who is a police officer lives next door.

انسان فعل

***توجه: جمله a متداول تر است.

نکته 1: در حالت فاعلی، موقعی که دو جمله را با ضمائر موصولی بهم ربط می دهیم باید فاعل جمله دوم را حذف کنیم. در مثال بالا he حذف می شود.

نکته 2: در مثال های بالا به جای ضمیر موصولی **who** میشه از **that** استفاده کرد.

3- The man that lives next door is a police officer.

Whom : نقش مفعولی دارد و برای انسان کاربرد دارد.

ضمیر / اسم + whom (who) + انسان

4- This is a man. I met him last night.

This is the man whom(who) I met last night.

انسان ضمیر

نکته 1: در حالت مفعولی، موقعی که دو جمله را با ضمائر موصولی بهم ربط می دهیم باید مفعول جمله دوم را حذف کنیم. (در مثال بالا مفعول **him** ، در جمله دوم حذف شده است .)

نکته 2: امروزه در زبان انگلیسی آمریکایی، و همچنین در زبان محاوره و غیر رسمی به جای **whom** از **who** استفاده می شود .

5- This is the man who I met last night.

(اما مواسمان باشه که در حالت فاعلی به جای **who** نمیشه از **whom** استفاده کرد.)

نکته 3 : به جای ضمیر موصولی whom (همانند who) همیشه از that استفاده کرد.

6- This is the man that I met last night.

نکته 4 (اضافی) : اگر ضمیر موصولی نقش مفعولی داشته باشد (یعنی بعد از ضمایر موصولی، اسم یا ضمیر فاعلی داشته باشیم) می توانیم ضمیر موصولی را در جمله مذف کنیم.

7- This is the man I met last night.

Which : نقش فاعلی و مفعولی دارد و برای غیر انسان (اشیاء ، میوهات و ...) بکار می رود.

فعل +	which + غیر انسان : (فاعلی)
-------	-------------------------------

ضمیر / اسم +	which + غیر انسان : (مفعولی)
--------------	--------------------------------

8- His room has a window. It opens into the street.

: His room has a window which opens into the street. (فاعلی)

9- The cat is the biggest of all. It is sleeping on the wall.

: The cat which is sleeping on the wall is the biggest of all. (فاعلی)

10- The bed was not very comfortable. I slept in the bed last night.

: The bed which I slept in last night was not very comfortable. (مفعولی)

نکته : به جای ضمیر موصولی which (همانند who و whom) همیشه از that استفاده کرد.

11- His room has a window that opens into the street.

12- The cat that is sleeping on the wall is the biggest of all.

13- The bed that I slept in last night was not very comfortable.

نکته های اضافی و (زبان تفصیلی در مورد جمله واره های وصفی و ضمایر موصولی :
--

نکته 1 (زبان تفصیلی) : اگر قبل از " whom " ، حرف اضافه اومده باشد، نمی توان به جای whom از who و یا that استفاده کرد.

14- a) The man whom I was talking with is doctor.

b) The man who I was talking with is a doctor.

c) The man that I was talking with is a doctor.

d) The man I was talking with is a doctor.

e) The man with whom I was talking is a doctor.

*f) The man with who I was talking is a doctor. (incorrect)

*g) The man with that I was talking is a doctor. (incorrect)

نکته ی اضافی 2 : اگر قبل از "which" ، حرف اضافه اومده باشه، نمی توان به جای which از that استفاده کرد.

- 15- a) The music which they listened to was very good.
 b) The music that they listened to was very good.
 c) The music to which they listened was very good.
 *d) The music to that they listened was very good. (incorrect)

نکته اضافی 3 (زبان تفصیلی) : زمانی که جمله واره های وصفی ، اطلاعات اضافی (غیر ضروری) در مورد یک اسم می دهد ، اکثر گرامر نویسان اعتقاد دارند که در این ساختار ، به جای who و which همیشه از that استفاده کرد.
 این نوع جمله واره های وصفی در دو جا می آیند.

نکته اضافی 5 : برخی از ضمائر موصولی دیگر که خارج از ممدوده ی کتاب درسی هستند، عبارتند از :

where + اسم مکان

where = [at/in/on which]

- 16-a) This is the store where my friend works.
 b) This is the store in which my friend works.
 b) This is the store which my friend works in.
 c) This is the store that my friend works in.
 d) This is the store my friend works in.
 17- a) This is the restaurant where the food is excellent.
 b) This is the restaurant at which the food is excellent.
 c) This is the restaurant which the food is excellent at.
 d) This is the restaurant that the food is excellent at.
 e) This is the restaurant the food is excellent at.

when + اسم زمان

when = [at/in/on which]

- 18- a) The year when he was born is not known.
 b) The year in which he was born is not known.
 c) The year that he was born in is not known.
 d) The year he was born in is not known.
 19- a) I remember the day when I met him for the first time.
 b) I remember the day on which I met him for the first time.
 c) I remember the day that I met him on for the first time.
 d) I remember the day I met him on for the first time.

why + اسم علت

why = for which

- 20- a) The reason why he left the country is a secret.
 b) The reason for which he left the country is a secret.
 c) The reason whichhe left the country for is a secret.
 d) The reason thathe left the country for is a secret.
 e) The reasonhe left the country for is a secret.

مالکیت مالیت : whose

- 21- a) Mr. Ahmadi is an English teacher. His wife is from England.
 Mr. Ahmadi whose wife is from England is an English teacher.

Conditional Sentence Type2

جمله ی شرطی نوع دوم

- جمله ی شرطی نوع دوم غیر واقعی (فرضی) است .

- معمولاً در شرطی نوع دوم ، احتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده امکان پذیر نیست .

ساختار شرطی نوع دوم :

زمان گذشته ساده If	فعل بدون to + would / could / might + فاعل
قسمت شرط	جواب شرط

- 1- If I had a lot of money, I would help poor people.

اگر من پول زیادی داشتم، به مردم فقیر کمک می کردم.

نکته: اگر (if clause) در اول جمله بیاید، به کاما نیاز داریم.

- 2- I would help poor people if I had a lot of money.

نکته: اگر (if clause) در بخش دوم جمله بیاید، به کاما نیاز نداریم .

نکته ی 1 : مخفف would بصورت ('d) نوشته می شود .

- 3- If John studied hard, he 'd pass the test.

اگر جان سخت درس می خواند، در امتحان قبول می شد.

نکته ی 2 : شرطی نوع دوم بر اساس جمله ای ساخته می شود که به زمان حال اشاره دارد . (گذشته غیر واقعی)

- 4- If Mina studied hard, he would pass the test.

اگر مینا سخت درس می خواند (یعنی سخت درس نمی خواند) در امتحان قبول می شد (یعنی قبول نمی شود).

نکته ی 3 : در شرطی نوع دوم به جای would می توان از might و could هم استفاده کرد.

5- If they arrived this afternoon, we might see them again.

6- If I had some money, I could lend you a few dollars.

نکته ی 4: در شرطی نوع دوم بعد از if ، بهتر است برای همه ی فاعل ها و ضمایر (متی اول یا سوم شفص مفرد)

به جای was از were استفاده شود . کاربرد was در شرطی نوع دوم غلط محسوب نمی شود .

7- If I were rich, I would help you.

اگر ثروتمند بودم، به تو کمک می کردم.

نکته 5: موقع سوالی کردن جملات شرطی ، جواب و نتیجه شرط به صورت سوالی در می آید .

8- Would Reza pass the test if he studied hard?

9- What would you do if you lost your job?

اگر شغلت را از دست میدادی، چه کار می کردی؟

گرامر درس سوم زبان انگلیسی پایه دوازدهم:

Modals

مجهول افعال کمکی:

be + pp + فعل کمکی مودال

افعال کمکی مودال و شبه مودال (وجهی) (modals) عبارتند از :

may, might, can, could, will, would, shall, should, ought to, must, have to, has to, had to

(جمله معلوم) : She must type a letter every day.

او باید هرروز نامه ای تایپ کند.

(جمله مجهول) : A letter must be typed every day.

نامه ای هر روز باید تایپ شود.

(جمله معلوم) : She had to type a letter yesterday.

(جمله مجهول) : A letter had to be typed yesterday.

نامه ای باید دیروز تایپ می شد.

گذشته ی کامل (ماضی بعید) Past Perfect

{ had + pp } : طرز ساخت زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

Past participle یا همان اسم مفعول افعال با قاعده ، با افزودن { d/ed } ساخته می شود و افعال بی قاعده را باید حفظ کرد .

My mother had cleaned the house, before the guests arrived.

[در این جمله، عمل تمیز کردن خانه ، قبل از رسیدن مهمان ها بوده است .]

نکته 1 : برای منفی کردن گذشته کامل (ماضی بعید) به فعل کمکی { had } ، (not / n't) افزوده می شود.

They had not (hadn't) washed the dishes.

نکته 2 : برای سؤالی کردن گذشته کامل (ماضی بعید) ، جای فعل کمکی { had } با فاعل عوض می شود.

Had they washed the dishes?

نکته 3 : در گذشته کامل (ماضی بعید) ، مخفف (شکل کوتاه شده) " had " بصورت ('d) می باشد.

They 'd washed the dishes.

موارد کاربرد گذشته کامل :

1- گذشته ی کامل (ماضی بعید) : هرگاه صمیت از دو عمل باشد که در زمان گذشته انجام شده باشد، عملی که اول یا زودتر انجام شده را به صورت گذشته ی کامل (had + pp) و عملی که دوم یا دیرتر انجام شده را به صورت گذشته ی ساده می آوریم .

گذشته ساده	when / before / by the time	(had + pp) ماضی بعید
------------	-----------------------------	------------------------

- a) Sarah had done her homework before she went out.
- b) Before Sarah went out, she had done her homework.
- a) I had done my homework when my parents came back.
- b) When my parents came back, I had done my homework.
- a) The secretary had typed all the letters by the time the boss came back.
- b) By the time the boss came back, the secretary had typed all the letters.

(had + pp) ماضی بعید	after / as soon as	+ گذشته ساده
------------------------	--------------------	--------------

- a) They left the office, after the boss had gone.
- b) After the boss had gone, they left the office.
- a) As soon as we had finished our homework, we went out for a walk.
- b) We went out for a walk as soon as we had finished our homework.

2- برای بیان علت و دلیل عملی در زمان گذشته با الگو های زیر :

(had + pp) ماضی بعید	because / since / as	+ گذشته ساده
------------------------	----------------------	--------------

Mina was tired, because she had worked a lot.
As John had got good marks, he was very happy.
Since I had lost my wallet, I didn't have any money.

نکته اضافی 1 : شکل مجهول گذشته کامل (ماضی بعید) :

had + been + pp

- a) My mother had prepared dinner before the guests arrived.
- b) Dinner had been prepared by my mother before the guests arrived.

نکته اضافی 2 : برای درست کردن دم سوالی (tag question) گذشته کامل (ماضی بعید) از فعل کمکی (had) استفاده می کنیم.

They had seen the film before, hadn't they?
 They d broken the window, hadn't they?

موفق و پیروز باشید.

لطفا اشکالات احتمالی جزوه را به شماره زیر در واتساپ یا تلگرام اطلاع دهید.

0921-725-7653